

ادغام یا تکرار تجربه‌های ناکام؟



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

سازمان برنامه و بودجه، باید به‌منابه مغز متفکر نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور عمل کند، اینکه اینطور است یا نه، خارج از حوصله این بحث است اما رئیس این سازمان روز چهارشنبه در حاشیه جلسه هیئت دولت از ادغام سازمان‌های موزای سخن گفته است. این تصمیم، در نگاه اول گامی به سوی چابک‌سازی دولت به نظر می‌رسد، اما فرامتن آن پر سسش‌های اساسی پیش روی ما قرار می‌دهد، اینکه آیا این ادغام در چارچوب وظایف قانونی سازمان برنامه و بودجه است؟ آیا ادغام تنها راه‌حل برای رفع موزای کاری‌هاست یا حذف برخی نهادهای گزینہ بهتری است؟ و مهم‌تر از همه، آیا قرار است شاهد تکرار تجربه‌های ناکامی مانند شکل‌گیری وزارتخانه‌های عریض و طویل باشیم که نه‌تنها به چابکی دولت کمک ندرند، بلکه آسیب‌هایی به حوزه‌های تخصصی وارد کردند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا باید به وظایف سازمان برنامه و بودجه نگاهی بیندازیم. این سازمان به‌عنوان راهبر توسعه کشور، مسئول تدوین راهبردهای توسعه، تهیه بودجه سالانه، نظارت بر اجرای برنامه‌ها و حتی مدیریت نظام فنی و اجرایی کشور است. از منظر قانونی، این سازمان وظیفه دارد با رصد و ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها، پیشنهادهایی برای بهبود نظام‌های برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی ارائه کند. اما آیا این وظایف شامل تصمیم‌گیری برای ادغام سازمان‌ها می‌شود؟ به نظر می‌رسد شناسایی و اصلاح ساختارهای موزای می‌تواند ذیل وظیفه و مسئولیت و کارایی خواهد داشت که مبتنی بر مطالعات دقیق، شفاف و مدیريت قرار گیرد. سازمان برنامه و بودجه به‌عنوان نهادی که بر تخصیص منابع نظارت دارد، می‌تواند با شناسایی نهادهای موزای کار، پیشنهادهایی برای بهینه‌سازی ساختارها ارائه دهد، اما این اقدام، زمانی مشروعیت و کارایی خواهد داشت که مبتنی بر مطالعات دقیق، شفاف و با هدف واقعی کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی باشد. اگر این تصمیم صرفاً به‌عنوان یک رست اصلاحی یا برای نمایش کوچک‌سازی دولت مطرح شده باشد، گرهی از مشکلات کشور باز نخواهد کرد، بلکه ممکن است به پیچیده‌تر شدن ساختارهای اجرایی منجر شود.

«موزای کاری» حذف یا ادغام؟

یکی از پرسش‌های کلیدی این است که چرا سازمان‌های موزای باید ادغام شوند و نه حذف؟ موزای کاری در نظام اداری کشورمان، پدیده‌ای ریشه‌دار است که از نبود هماهنگی بین دستسگاه‌ها، تعریف نادرست مأموریت‌ها و گاهی رقابت‌های سیاسی و اقتصادی بین نهادهای نشئت می‌گیرد. وقتی دو یا چند سازمان وظایف مشابهی را انجام می‌دهند، منابع کشور –چه مالی و چه انسانی– به هدر می‌رود. در چنین شرایطی، منطقی‌ترین راه‌حل می‌تواند حذف موزای‌ها و تمرکز بر وظایف در یک نهاد مشخص باشد، نه ادغامی که صرفاً ساختارها را زیر یک چتر ظاهری جمع کند. تجربه‌های پیشین ادغام، مانند تشکیل وزارتخانه‌های «صنعت، معدن و تجارت»، «راه و شهرسازی» یا «تعاون، کار و رفاه اجتماعی»، نشان‌دهنده چالش‌های این رویکرد است. این وزارتخانه‌ها که با هدف کاهش هزینه‌ها و هماهنگی بیشتر شکل گرفتند، در عمل به غول‌های عریض و طویلی تبدیل شدند که کارایی را افزایش ندادند بلکه به دلیل گستردگی وظایف، تمرکز و تخصص را در حوزه‌های مربوط کاهش دادند. برای مثال، ادغام وزارت صنایع و معادن با وزارت بازرگانی که دو حوزه کاملاً تخصصی با نیازهای متفاوت را دربرمی‌گرفت، باعث شد سیاستگذاری‌ها در هر دو بخش از عمق و دقت لازم برخوردار نباشد یا در مورد وزارت راه و شهرسازی، ادغام بخش‌های راه و ترابری با مسکن و شهرسازی که هر کدام نیاز به مدیریت تخصصی دارند، به ناکارآمدی‌هایی در هر دو حوزه منجر شد.

این تجربه‌ها نشان می‌دهد ادغام، اگر بدون مطالعه دقیق و توجه به تفاوت‌های ماهوی وظایف سازمان‌ها انجام شود، به چابک‌سازی منجر نمی‌شود و می‌تواند به کاهش بهره‌وری و سردرگمی در ساختارها بینجامد، به همین دلیل اگر سازمان برنامه و بودجه قصد دارد سراغ ادغام برود، باید ابتدا معیارهای روشنی برای شناسایی موزای کاری‌ها تعریف کند و سپس به‌جای ادغام‌های صوری، به سمت حذف نهادهای غیرضروری حرکت کند.

اگر قرار است ادغامی صورت گیرد، این فرایند باید ویژگی‌هایی داشته باشد که از تکرار تجربه‌های ناکام جلوگیری کند. نخست، شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری ضروری است. سازمان برنامه و بودجه باید گزارش‌های خود را درباره نهادهای موزای و دلایل ادغام آنها منتشر کند تا امکان نقد و بررسی عمومی فراهم شود. دوم، ادغام باید مبتنی بر مطالعات دقیق و داده‌محور باشد. این مطالعات باید نشان دهند که کدام سازمان‌ها واقعاً موزای کار هستند، چه میزان منابع در این موزای کاری‌ها هدر می‌رود و ادغام چگونه می‌تواند به بهبود عملکرد منجر شود. سوم، ادغام باید با هدف افزایش تخصص و تمرکز و نه صرفاً کاهش تعداد وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها انجام شود، به‌عنوان مثال، اگر دو سازمان در حوزه آمار و اطلاعات فعالیت می‌کنند، باید بررسی شود که آیا ادغام آنها به بهبود کیفیت داده‌ها و کاهش هزینه‌ها منجر می‌شود یا خیر، چهارم، توجه به نیروی انسانی و فرهنگ سازمانی نیز حیاتی است. ادغام‌های گذشته نشان داده‌اند بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری بین سازمان‌ها، ادغام می‌تواند به مقاومت کارکنان، کاهش انگیزه و حتی افت کیفیت خدمات منجر شود.

اظهارات رئیس سازمان برنامه و بودجه مبنی بر پیگیری جدی رئیس‌جمهور برای کوچک‌سازی دولت، نودبیش است. اما کوچک‌سازی نامزد بازنگری اساسی در رویکردهای گذشته است. کوچک‌سازی دولت صرفاً به معنای کاهش تعداد وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها نیست. این فرایند باید با هدف افزایش کارایی، کاهش دیوان‌سالاری و تخصیص بهینه منابع انجام شود. به جای ادغام‌های شتاب‌زده، دولت می‌تواند با شناسایی وظایف غیرضروری و واگذاری آنها به بخش خصوصی یا نهادهای غیردولتی، بار مالی و اجرایی خود را کاهش دهد. علاوه بر این، استفاده از فناوری‌های نوین و دیجیتالی‌سازی فرایندهای می‌تواند به کاهش موزای کاری‌ها کمک کند. برای مثال، نظام آماری کشور که یکی از وظایف سازمان برنامه و بودجه است، می‌تواند با ایجاد یک پایگاه داده یکپارچه، نیاز به فعالیت‌های موزای در دستگاه‌های مختلف را از بین ببرد. چنین رویکردی هزینه‌ها را کاهش و شفافیت و دسترسی به اطلاعات را نیز افزایش می‌دهد.

جان کلام آنکه تصمیم‌سازان برنامه و بودجه برای ادغام سازمان‌های موزای، فرصتی برای اصلاح ساختارهای ناکارآمد نظام اداری کشورمان است اما این فرصت تنها در صورتی به نتیجه مطلوب خواهد رسید که با دقت، شفافیت و توجه به تجربه‌های گذشته اجرا شود. حذف نهادهای زائد، به جای ادغام‌های صوری، می‌تواند منابع کشور را آزاد کند و به دولت اجازه دهد تمرکز خود را بر اولویتهای اصلی توسعه قرار دهد، در عین حال باید از تکرار تجربه‌هایی مانند وزارتخانه‌های عریض و طویل که به کاهش تخصص و کارایی منجر شدند، پرهیز کرد. سازمان برنامه و بودجه، به‌عنوان نهادی که وظیفه راهبری توسعه کشورمان را بر عهده دارد، باید با ارائه گزارش‌های دقیق و جلب مشارکت نخبگان و کارشناسان، این فرایند را به یک الگوی موفق برای بازسازی‌های ساختاری تبدیل کند. در غیر این صورت، این اقدام ممکن است به جای حل مشکلات، به یک نمایش سیاسی با بوروکراتیک تبدیل شود که گرهی از کار کشور باز نمی‌کند و پیچیدگی‌های جدیدی به نظام اداری تحمیل می‌کند.

روزنامه جوان | شماره ۷۴۲۰

اجرای ارز تک‌نرخي اگر چه در بسياری از کشورها موفقیت‌آمیز بوده است اما این سیاست به دلایلي فعلاً امکان اجرایی شدن در کشورمان ندارد. در طول سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای پیچیده‌شدن نسخه ارز چندنرخي از سوي دولت‌ها صورت گرفته اما در نهایت این سیاست‌ها کارگشا نبوده و شکاف در ارزهای دولتي با آزاد مجدد ادامه یافته است.

■ ■ ■

با وجود اینکه سیاستگذاران، تلویحاً از نرخ ارز در بازار آزاد به عنوان یک نرخ غیررسمی یاد می‌کنند، اما واقعیت آن است که نرخ ارز در اقتصاد ایران به لنگرگاه انتظارات تورمی بدل شده است. این مسئله باعث شده است با وجود آنکه کالاهای اساسی و دارو ارز پارانهای دریافت می‌کنند قیمت آنها همگام با دلار آزاد افزایش یابد و این سؤال ایجاد شود که اگر قرار است قیمت‌ها افزایش یابد، پس دلیل اختصاص ارز پارانهای چیست. این موضوع اخیراً مورد انتقاد رئیس‌جمهور قرار گرفت. مسعود پزشکیان در روزهای اخیر بار دیگر بر پایان دادن به نظام چندنرخي ارز تأکید کرد و گفت: تا زمانی که نرخ‌های متعدد ارز وجود دارد، فساد و بی‌ثباتی ادامه خواهد داشت.

او همچنین به توزیع ارز ارزان انتقاد و اشاره کرد که افراد یا نهادهایی با ارتباطات خاص در صف دریافت ارز ارزان قرار می‌گیرند.

■ **موانع تک‌نرخي شدن ارز در شرایط کنونی** کارشناسان اگر چه بر فساد ناشی از چندنرخي بودن ارز واقفند، با این حال معتقدند در حال حاضر شرایط برای تک‌نرخي شدن ارز به دلایل مختلف در کشورمان فراهم نیست و ابتدا باید شرایط مهیا شود.

به گفته آنها تک‌نرخي کردن بدون ایجاد بازار رقابتي ارز پایدار نمی‌ماند. به علاوه جامعه نمی‌تواند افزایش نرخ ارز را بپذیرد، کالاهای اساسی و دارو تحمل کند، قبل از آنکه درآمدهای خانوار افزایش یابد.

در این ارتباط کارمان ندري، اقتصاددان با اشاره به عوامل بنيادین اثرگذار بر نرخ ارز در کشور و موانع عدم تحقق سیاست تک‌نرخي شدن ارز در شرایط امروز اقتصادی کشور گفت: برای تک‌نرخي شدن ارز، دو مانع جدی وجود دارد: مانع نخست محدودیت‌های تجاری است چرا که اگر به‌خوبه به سمت یک نرخ یکسان حرکت کنیم، کشور و مدیریت آن در شرایط فعلی برای سیاستگذار پولی سخت و دشوار خواهد شد. ندري در ادامه گفت: مانع دیگری که امروز وجود دارد، به مسائل و مشکلات داخلی مربوط می‌شود. امروز مشکلاتی مانند ناترازی‌های درون نظام بانکی، کسری بودجه بالا، ناترازی‌ها در حوزه انرژی و ناترازی‌های موجود در صندوق‌های بازنشستگی، مدیریت نرخ ارز و حفظ ارزش پول ملی را سخت و دشوار می‌کند.

وی گفت: برای اینکه به سمت نظام تک‌نرخي ارز حرکت شود، ابتدا باید موانع را برطرف کرد تا روی درآمدها و منابع ارزی حساب و به پشتوانه

نگاه

بازار ارز از چند روز پیش رم کرده و قیمت‌های عجیبی ثبت کرده است. ارقامی که شاید شش ماه پیش حتی فکر کردن به آن هم نوعی بدبینی تلقی می‌شد، امروز به واقعیت روزهان تبدیل شده است، اما چرا دلایل تا حد گران‌شد؟ چه اشتباهی رخ داد و چرا سیاست‌های ارزی کشور، به‌جای آرام کردن بازار، بیشتر به آن تنش تزریق کرده‌اند؟

به باور برخی کنشگران بازار ارزی، ماجرا از جایی شروع شد که دولت برای کنترل بازار ارز تصمیم گرفت سیاست‌های جدیدی را اجرایی کند. یکی از این سیاست‌ها، راه‌اندازی «بازار توافقی ارز» بود، جایی که صادرکننده‌ها و خریداران ارز می‌توانستند با نرخ توافقی، بدون سقف مشخص، معامله کنند. تا اینجای کار شاید منطقی به نظر برسد. دولت می‌گوید «من نرخ دستوری نمی‌گذارم، اجازه می‌دهم عرضه و تقاضا، قیمت را تعیین کنند» اما مشکل این است که در اقتصادی که دچار کمبود مزمن ارز است و عرضه‌کننده‌ها قدرت چانه‌زنی زیادی دارند، این سیاست بیشتر به سود صادرکننده تمام می‌شود تا مصرف‌کننده یا دولت. در شرایط فعلی، صادرکننده‌ها مخصوصاً صادرکننده‌های بزرگ و غیردولتی، دست بالا را دارند. چرا؟ چون آنها هم ارز دارند، هم

درآمدهای ارزی در بازار مداخله و مدیریت صورت گیرد، همچنین باید اصلاحات داخلی انجام شود که کارشناسان اگر چه بر فساد ناشی از چندنرخي بودن ارز واقفند، با این حال معتقدند در حال حاضر شرایط برای تک‌نرخي شدن ارز به دلایل مختلف در کشورمان فراهم نیست و ابتدا باید شرایط مهیا شود.

به گفته آنها تک‌نرخي کردن بدون ایجاد بازار رقابتي ارز پایدار نمی‌ماند. به علاوه جامعه نمی‌تواند افزایش نرخ ارز را بپذیرد، کالاهای اساسی و دارو تحمل کند، قبل از آنکه درآمدهای خانوار افزایش یابد. در این ارتباط کارمان ندري، اقتصاددان با اشاره به عوامل بنيادین اثرگذار بر نرخ ارز در کشور و موانع عدم تحقق سیاست تک‌نرخي شدن ارز در شرایط امروز اقتصادی کشور گفت: برای تک‌نرخي کردن ارز راه‌حل مشکلات اقتصادی ایران نیست، بلکه نتیجه حل این مسائل است و در شرایط تحریمی امروز کشور تنها موجب دامن زدن به تورم افسارگسیخته کنونی می‌شود.

وی افزود: اگر ما ارز را به درستی مدیریت کنیم، در نتیجه به ارز تک‌نرخي نیز خواهیم رسید. در حال حاضر بازاری موسوم به «بازار آزاد» داریم، اما این بازار در واقع وجود ندارد، چرا که دولت بزرگ‌ترین عرضه‌کننده و بزرگ‌ترین متقاضی ارز است، بنابراین صحبت از بازار آزاد، دروغی آشکار است. نه در ایران و نه در بسیاری از کشورهای دیگر چنین بازاری وجود ندارد، بلکه دولت‌ها مدیریت‌ارزی را خود بر عهده دارند.

ایزدخواه با اشاره به حجم بالای قاچاق در کشور

تصریح کرد: نمی‌توان پذیرفت که حداقل ۳۰ میلیارد دلار حجم قاچاق در کشور وجود داشته باشد و این مسئله سازمان‌یافته نباشد. قطعاً دست‌هایی در

شرط پایان دادن به نظام چندنرخي ارز، ایجاد بازار رقابتي و افزایش توان مالی خانوارهاست

ارز «تک‌نرخي» فعلاً دور از دسترس است

تک‌نرخي شدن ارز به کلاف سردرگمی تبدیل و نرخ‌های متعدد باعث فساد و بی‌ثباتی شده است، از طرفی دیگر توان مالی خانوارها اجازه حذف ارز دولتي را نمی‌دهد

گام بعدی چین در مسیر اصلاح ارزی، تقویت تراز حساب جاری بود. با رشد صادرات و کاهش وابستگی به واردات کالاهای اساسی، حساب جاری این کشور به‌صورت مداوم مزاد نشان داد. این مزاد ارزی، پایه پایداری نرخ ارز و عامل اصلی موفقیت بعدی در اصلاح نظام ارزی شد.

به‌عبارت دیگر، چین ابتدا اقتصاد خود را ارزی پایدار کرد، سپس نرخ را تک‌نرخي. در چنین شرایطی بود که در سال ۱۹۹۴ توانست به تدریج به سمت نظام ارزی شناور با دامنه نوسان بسیار محدود (میان ۱/۰ تا ۲۰۳ درصد) حرکت کند.

■ **تورم سنگین**

دستاورد یکسان‌سازی ارز!

در خلاف چین در ایران اما مسیر کاملاً متفاوت بوده است. سیاستگذاران معمولاً با یک بخشنامه یا دستور، نرخ رسمی را به نرخ بازار نزدیک می‌کنند و نام آن را «تک‌نرخي‌سازی» می‌گذارند، بدون آنکه پیش‌زمینه‌های لازم از جمله توازن کمی و کیفی منابع و مصارف ارزی برقرار شده باشد.

در چنین شرایطی، هر بار که دولت نرخ رسمی را افزایش داده، تورم سنگین، افزایش هزینه تولید و در نهایت جهش دوباره نرخ ارز داد است. تجربه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۴۰۱ نمونه‌های روشن این چرخه میوب هستند؛ سیاستی که به جای حذف رانت، آن را گران‌تر کرده است.

تحلیل کارشناسان اقتصادی نشان می‌دهد در هیچ اقتصادی در جهان، در هیچ مقطع تاریخی، تک‌نرخي شدن ارز بدون توازن پایدار میان منابع و مصارف ارزی محقق نشده است. این توازن نه فقط به لحاظ کمی، بلکه از نظر کیفی و ساختاری نیز اهمیت دارد. زمانی که صادرات کشور از نظر ترکیب کالایی و فناوری هم‌وزن واردات نباشد، بازار ارز به صورت طبیعی به چندنرخي شدن تمایل پیدا می‌کند. کارشناسان معتقدند در حالی که اقتصاد ایران هنوز با کسری مزمن حساب جاری، وابستگی به واردات کالاهای اساسی و ناهمگونی منابع ارزی روبه‌رو است، هر گونه تلاش برای تک‌نرخي‌سازی شتاب‌زده، صرفاً می‌تواند شکاف نرخ‌ها را عمیق‌تر و تورم را تشدید کند.

افزایش توان مالی خانوارها

■ **قدشده حذف ارز چندنرخي**

کارشناسان شرط پایان دادن به نظام چندنرخي ارز را ایجاد بازار رقابتي و افزایش توان مالی خانوارها عنوان می‌کنند.

کارشناسان تأکید دارند که تک‌نرخي کردن بدون ایجاد بازار رقابتي ارز پایدار نمی‌ماند. به علاوه جامعه نمی‌تواند افزایش نرخ ارز را برای کالاهای اساسی و دارو تحمل کند، قبل از آنکه درآمدهای خانوارها افزایش یابد، بنابراین قبل از تک‌نرخي شدن لازم است درآمدهای تجارت و صنعت و خدمات باز شوند تا درآمد افراد افزایش یابد و آنگاه می‌توان به تدریج ارز را تک‌نرخي کرد. در غیر این صورت، جامعه با بحران‌های غیرقابل کنترل مواجه می‌شود.



محمدهدی صافی | جوان

فصل ۱۱

قبیل از تک‌نرخي شدن لازم است درهای تجارت و صنعت و خدمات باز شوند تا درآمد افراد افزایش یابد و آنگاه می‌توان به تدریج ارز را تک‌نرخي کرد. در غیر این صورت، جامعه با بحران‌های غیرقابل کنترلی مواجه می‌شود

بازار آزاد بیشتر شد. کارشناسان چینی بعدها این دوره را «دوران یادگیری سیاست ارزی» نامیدند، دوره‌ای که دولت باحفظ چندنرخي بودن هدفمند و هدایت آن در چارچوب یک نقشه توسعه صنعتی صادرات‌محور،

به تدریج بسته‌های لازم برای تک‌نرخي‌سازی واقعی را ایجاد کرد. در نظام سرنرخي چین، تفاوت نرخ‌های برای توزیع رانت، بلکه برای تخصیص هوشمند منابع ارزی به صنایع اولویت‌دار طراحی شده بود.

نرخ ترکیبی صرفاً برای واردات کالاهای سرمایه‌ای، فناوری و مواد اولیه صنایع صادراتی تخصیص می‌یافت. در مقابل، نرخ بازار برای کالاهای مصرفی و واردات غیرضروری اعمال می‌شد.

این ساختار موجب شد صنایع صادرات‌محور چین به‌ویژه در حوزه‌های نساجی، لوازم خانگی، الکترونیک و ماشین‌آلات-طی یک دهه رشد پیوسته تجربه کنند و ترکیب صادرات کشور از خام‌محور به صنعتی متنوع و پیچیده تغییر یابد.

ساختار اقتصادی کشور در حال دامن زدن به این وضعیت هستند. وی با تأکید بر اینکه باید یک‌پار برای همیشه رژیم ارزی کشور اصلاح شود، گفت: بیش از ۳۰ سال است با سیاست شناور مدیریت‌شده پیش می‌رویم، اما نتایج‌ای نگرفته‌ایم. ارزش پول ملی هزار برابر کاهش یافته و نرخ ارز مسیر خود را بدون مدیریت مؤثر طی کرده است.

■ **به نام «تک‌نرخي شدن ارز»** روح‌الله ایزدخواه، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با انتقاد از برخی تلاش‌ها در وزارت اقتصاد برای تک‌نرخي کردن ارز در شرایط تحریمی اقتصاد کشور به تسنیم گفت: تک‌نرخي کردن ارز راه‌حل مشکلات اقتصادی ایران نیست، بلکه نتیجه حل این مسائل است و در شرایط تحریمی امروز کشور تنها موجب دامن زدن به تورم افسارگسیخته کنونی می‌شود.

تجربه یونان برای ریل

بررسی تجربه چین نشان می‌دهد این کشور پیش از دستیابی به نظام تک‌نرخي ارز، بیش از ۱۵ سال نظام ارزی چندنرخي را بر پایه برنامه توسعه صنعتی و تراز مثبت حساب جاری حفظ کرد.

بر اساس گزارش‌های تاریخی بانک مرکزی چین، از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ اقتصاد این کشور دارای نظام سرنرخي ارز بوده، نرخ رسمی برای واردات کالاهای اساسی، نرخ ترکیبی برای واحدهای تولیدی و صادراتی و نرخ بازار برای سایر مبادلات.

چین در آن دوره دو بار تلاش کرد نرخ‌ها را یکسان کند، اما هر بار نتیجه معکوس گرفت؛ نرخ‌ها از هم فاصله گرفتند و شکاف قیمتی بین نرخ رسمی و نرخ

چرا دلار رم کرد؟

نیازی فوری برای تبدیل آن به ریل ندارند. مخارج داخلی‌شان کم است و می‌توانند چند ماه هم صبر کنند تا ارزشان را با قیمت بالاتری بفروشند. وقتی بازار توافقی رونق افتاد و نرخ دستوری برداشته شد، این صادرکننده‌ها فهمیدند که آینده بازار به نفع‌شان خواهد بود، پس ارز خود را وارد بازار نکردند و صبر کردند نرخ بالاتر برود و رفت!

در همین جین، بانک مرکزی که نتوانسته بود از بازار توافقی نتیجه بگیرد، سراغ سیاست دوم یعنی ایجاد «تالار دوم» یا یک بازار رسمی دیگر با سقف قیمتی بالاتر رفت. هدف این بود که بخشی از ارز را با نرخ جدیدتر عرضه کند، شاید باعث متعادل شدن بازار شود، اما این سیاست هم نتیجه معکوس داد، چرا؟ چون وقتی بازار می‌بیند که دولت خودش دارد نرخ بالاتری را رسمی می‌کند، این یعنی خود سیاستگذار هم انتظار افزایش قیمت دارد. این سیگنال به بازار فرستاده است. «دلار هنوز جا دارد گران‌شود». بنابراین صادرکننده‌ای که تا دیروز منتظر مثلاً دلار ۴۰۰ هزار تومانی بود، حالا می‌گفت «چرا نه؟ شاید بشود ۵۰ یا ۵۵ هزار فروخت» و باز هم ارز وارد بازار شد.

از سویی دیگر، واردکننده‌ها، تولیدکننده‌هایی که مواد اولیه

وارد می‌کردند و حتی مردم عادی که برای سفر یا حفظ ارزش دارایی‌شان نیاز به ارز داشتند، همه گرفتار شدند چرا؟ چون وقتی ارز در بازار رسمی نیست یا نمی‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند، تنها راه‌یاقی‌مانده بازار آزاد است؛ بازاری که قیمت را نه قانون و نه عرضه و تقاضا، بلکه ترس و انتظار گرانی بیشتر تعیین می‌کند.

در این بازار، قیمت بر اساس نیاز واقعی تعیین نمی‌شود، بلکه بر اساس روان بازار شکل می‌گیرد چرا که همه می‌خواهند زودتر بخرند چون می‌ترسند فردا گران‌تر شود. این یعنی تقاضای کاذب، یعنی احتکار ارز و یعنی التهاب بیشتر.

نقش بانک مرکزی در این شرایط باید شبیه آتش‌نشان باشد و ارز تزریق کند اما مشکل این است که بانک مرکزی منابع کافی ندارد یا اقتدر محدود است که نمی‌تواند مثل قبل بازار را کنترل کند. از آن طرف، صادرکننده‌ها هم حاضر نیستند ارزشان را به راحتی وارد چرخ کنند. نتیجه آن می‌شود که بازار بدون متولی می‌ماند و وقتی بازار، می‌صاحب شود، فقط سوداگران و دلال‌ها در آن جولان می‌دهند.

همه این عوامل دست‌به‌دست هم دادند تا قیمت دلار که تا چند وقت پیش پایین‌تر بود، رم کند و به فلان هزار تومان برسد. حالا

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی (دوم رله ای) شماره ۴۰۴/۷۷

شرکت تولید نیروی برق کرمان (به عنوان دستگاه مناقصه گزار) در نظر دارد مناقصه "بازسازی پره های ثابت و متحرک توربین های گازی ۷94.2 نیروگاه سیکل ترکیبی شهید سلیمانی کرمان" را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.

■ تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه: ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

■ آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه: ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

■ آخرین مهلت بازگداری اسناد مناقصه و پکتای پیشنهادی: تا ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

■ آخرین مهلت ارسال پاکت الف: تا ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

■ زمان و محل بازگشایی پاکت مناقصه: ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

■ **کرمان، بلوار جمهوری اسلامی، خیابان امام جمعه، کوچه شماره ۱۶، پلاک ۳۶، شرکت تولید نیروی برق کرمان**

■ **محل تحویل پاکت مناقصه:** کرمان- بلوار جمهوری اسلامی، خیابان امام جمعه، کوچه شماره ۱۶، پلاک ۳۶، واحد تدارکات شرکت تولید نیروی برق کرمان

■ **مبلغ ونوع تضمین شرکت در فرآیند جاع کار:** مبلغ ۲۷.۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال (بیست و هفت میلیارد و پانصد میلیون ریال) می باشد، که می بایست به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی یا رسید واریز نقدی به حساب شماره ۳۳۸۳۳۸۳۳۷۳۰۰۰۱۱۲۳ نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه سپرده شرکت تولید نیروی برق کرمان نزد خزانه ارائه گردد.

■ به پیشنهادهایی که فاقد امضاء، مشروط و مخدوش بوده و همچنین به پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

■ به پیشنهاداتی که فاقد سپرده، سپرده های مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر این باشند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

■ سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه درج است.



شرکت تولید نیروی برق کرمان (سهامی عام)

((آگهی ابلاغ وقت رسیدگی))

با عنایت به کشف تعداد ۶ عدد ما نیز مالک فردی به هویت الوان رشیدی در روستای قجر به ۲ و در حال حاضر متواری می باشد بدینوسیله در اجرای ماده ۱۷۴ و ۳۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری به نام برده ابلاغ می گردد جهت رسیدگی به پرونده مطروحه فوق حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ نشر آگهی به شعبه هشتم ویژه رسیدگی به قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی به نشانی **اهواز خیابان آزادگان ۲۴ متری روپروتری ترمینال آزادگان اداره کل تعزیرات حکومتی استان خوزستان** مراجعه نماید ، بدیهی است در صورت عدم حضور و انقضای مهلت مقرر شعبه وفق مقررات قانونی اقدام به صدور رای می نماید.

شناسه آگهی: ۲۰۲۱۶۸۲۱

آذر تخت

رئیس شعبه هشتم ویژه قاچاق کالا و ارز شهرستان اهواز